

## Approaches of Islamic Parties in Kurdistan region of Iraq (KRI): Opportunities and Threats to Iran

Hoshang Sheykhi<sup>1</sup>  
Yaghub Hoseyni<sup>2</sup>

### Abstract

The proximity of the Kurdistan region of Iraq (KRI) to Iran, and the political-security trends in the West Asian region, have paid Islamic Republic of Iran more and more attention to this region. The Islamic nature of the Iran regime and the relation with some Islamic movements and groups in the form of relations with subnational groups, has highlighted the role of Islamic parties in Kurdistan. Components such as the role of Islamic parties in the political structure of the Kurdistan Region, the number of their seats in the local parliament, and the deep roots and Islamic religious tendencies among the people of the region, the need to establish relations with these parties. However, concerns about the relationship of Islamic groups in KRI with the Muslim Brotherhood, and relationship with Salafi and Takfiri groups, overshadow the possibility of the Islamic Republic of Iran cooperating with them. Therefore, examining the approaches of these parties to rival and enemy groups with the Islamic Republic of Iran, such as Salafi and Takfiri groups, and analyzing their attitudes toward the Islamic Republic of Iran can identify the threats and opportunities arising for them for the Iran. This article examines the political approaches of Islamic parties in the Iraqi Kurdistan region and the opportunities and threats facing Iran.

This research, by accessing library resources, official and unofficial positions of these parties, and interviews with some prominent members of the three Islamic parties of Kurdistan, including; The Islamic Movement and the Islamic Union and the Kurdistan Justice Group (Islamic) has been written. The results of the analysis of verbal actions, the approach to securitization and the process of threatening by the Islamic parties within the framework of the Defensive realism approach and Copenhagen School indicate that if these parties are strengthened, there will be opportunities and security threats for the Islamic Republic of Iran. This security dilemma necessitates strategies to reduce threats to Iran.

**Keywords:** Kurdistan region of Iraq (KRI), Foreign Policy, Islamic Republic of Iran, Identity, Kurdish Islamic Parties.

- 
1. PhD Student of Regional Studies, Faculty of Law and Political Sciences, Allameh Tabatabaee University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) hoshang.sheykhi@yahoo.com
  2. M.A International Relations, Islamic Azad University, Tasooj Branch, Urmia, Iran

*Mesopotamian Political Studies*, 2022, Vol. 1, Issue 1, pp. 131-151.

**Received:** 27 April 2022, **Accepted:** 19 July 2022



Copyright © The Authors  
Publisher: Razi University.

## رویکردهای احزاب اسلامی اقلیم کردستان عراق: فرصت‌ها و تهدیدهای پیش‌روی ایران

هوشنگ شیخی<sup>۱</sup>

یعقوب حسینی<sup>۲</sup>

### چکیده

هم‌جواری اقلیم کردستان عراق با ایران و همچنین تحولات سیاسی-امنیتی منطقه غرب آسیا توجه هرچه بیشتر جمهوری اسلامی ایران را به این اقلیم معطوف نموده است. ماهیت اسلامی نظام حکومتی ایران و ارتباط با برخی نهضت‌ها و گروه‌های اسلامی در قالب روابط با گروه‌های فروملی، موجب برجسته‌شدن نقش و کنش‌گری احزاب اسلامی کردستان شده است. مؤلفه‌هایی همچون نقش احزاب اسلامی در ساختار سیاسی اقلیم کردستان، تعداد کرسی‌های آن‌ها در مجلس محلی و همچنین عمیق‌بودن ریشه‌ها و گرایش‌های مذهبی اسلامی در بین عموم مردم این منطقه، ضرورت برقراری رابطه با این احزاب را مطرح می‌سازد؛ اما در این میان نگرانی به‌سبب رابطه گروه‌های اسلامی اقلیم با اخوان المسلمین و همچنین نسبت فکری و سلیقه‌ای با گروه‌های سلفی و تکفیری امکان همکاری جمهوری اسلامی ایران با آن‌ها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد؛ از این رو بررسی رویکردهای این احزاب به گروه‌های رقیب و متخاصم جمهوری اسلامی ایران همچون گروه‌های سلفی و تکفیری و همچنین تحلیل نوع نگاهشان به جمهوری اسلامی ایران می‌تواند هم‌زمان به شناسایی تهدیدها و فرصت‌های ناشی از آن‌ها برای نظام سیاسی ایران منجر شود. نوشتار پیش رو رویکردهای سیاسی احزاب اسلامی را در اقلیم کردستان عراق و فرصت‌ها و تهدیدات فراروی ایران را بررسی کرده است و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، مواضع رسمی و غیر رسمی این احزاب و همچنین مصاحبه با برخی از اعضای برجسته سه حزب اسلامی کردستان شامل جنبش اسلامی و اتحاد اسلامی و جماعت عدالت (اسلامی) به صورت ترکیبی و روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از مفاهیم و چارچوب نظری مکتب کپنهاگ نگارش یافته است. نتایج برآمده از تحلیل کنش‌های گفتاری، رویکرد به امنیتی دیدن مسائل و همچنین فرایند تهدیدزایی از سوی احزاب اسلامی اقلیم کردستان عراق در چارچوب مکتب کپنهاگ نشان‌گر این است که در صورت تقویت این احزاب، فرصت‌ها و تهدیدهای توأمان امنیتی پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گیرد و تنگنا (معمابودگی) امنیتی در این حوزه، وجود راهکارها و راهبردهایی به‌منظور کاهش تهدیدها برای ایران ضروری می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: اقلیم کردستان عراق، سیاست خارجی، جمهوری اسلامی ایران، هویت، احزاب اسلامی کردی

۱. دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده)

مسئول: hoshang.sheykhi@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تسوج، ارومیه، ایران.

## مقدمه و بیان مسئله

تحولات در محیط امنیتی پیرامونی جمهوری اسلامی ایران به طبع بر امنیت ملی و منافع آن اثرگذار خواهند بود. ظهور کنش گر نوینی همانند حکومت اقلیم کردستان عراق، نفوذ آمریکا و اسرائیل در این ناحیه هم‌جوار با ایران و تحرکاتی همچون درگیری‌های داخلی در عراق و استقلال‌خواهی در اقلیم کردستان عراق موجب می‌شود الزامات برنامه‌ریزی جمهوری اسلامی ایران در روابط با این اقلیم برجسته شود. گسترش نقش حکومت اقلیم کردستان عراق به‌عنوان بازیگری جدید، سیاست خارجی و ملاحظات امنیتی کشورهای غرب آسیا را به‌طور اعم و کشورهای همسایه‌اش را به‌طور اخص تحت تأثیر خود قرار داده است.

جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کشور هم‌جوار اقلیم کردستان عراق، با توجه به ابزارها و قابلیت‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی خود بر تحولات این حکومت همواره توان تأثیرگذاری داشته و گاه مؤثر هم بوده است. همان‌طور که در برهه‌های مختلف پیش از شکل‌گیری این اقلیم در پی ایجاد منطقه پرواز ممنوع تا شکل‌گیری حکومت این اقلیم و تحولات داخلی آن مانند میانجی‌گری در درگیری‌های مسلحانه میان احزاب این اقلیم و حتی همه‌پرسی جدایی از عراق نقش فعالی داشته است. پیوستگی قومی کردها در ایران و عراق، نزدیکی و ارتباطات کردهای عراق و کردهای ایران، پیشینه طولانی روابط حکومت ایران در دوره‌های مختلف با شیعیان عراق و نفوذ کنونی جمهوری اسلامی ایران در کشور عراق، استراتژیک بودن روابط با شیعیان این کشور و رقابت با دولت‌های رقیب همانند ترکیه و عربستان و در نهایت مقابله با نفوذ قدرت‌های متخاصم همچون ایالات متحده آمریکا و اسرائیل در این منطقه از جمله عواملی هستند که جمهوری اسلامی را به نقش‌آفرینی مؤثر در این منطقه و استفاده از ابزارهای مختلف در راستای افزایش تأثیرگذاری تشویق می‌سازد. یکی از این ظرفیت‌ها و ابزارهایی که جمهوری اسلامی ایران در روابط با اقلیم کردستان تاکنون از آن بهره برده است، احزاب اسلامی این اقلیم هستند؛ اما مسئله این است جمهوری اسلامی ایران گاه از سوی حکومت اقلیم کردستان عراق دچار چالش می‌شود و به دلیل پیچیدگی‌های جامعه کردی و ساختار و فرهنگ خاص سیاسی در اقلیم کردستان برای پیش‌برد اهداف سیاست خارجی‌اش و استفاده بهینه از این احزاب با مشکل روبه‌رو می‌شود.

احزاب اسلامی اقلیم کردستان عراق بخشی از جامعه سیاسی این ناحیه به‌شمار می‌روند که در ساختار قدرت آن نقش ایفا می‌کنند. با توجه به روابط جمهوری اسلامی ایران با این احزاب، پرسش

اصلی این است که رویکردهای سیاسی محوری احزاب اسلامی اقلیم کردستان عراق و فرصت‌ها و تهدیدات آن‌ها برای جمهوری اسلامی چیست؟

### چارچوب نظری

هر نظریه و رویکردی مبتنی بر یک سلسله مفروضات و گزاره‌هایی است که براساس آن نهادها، فرایندها و پدیده‌های گوناگون بررسی، تجزیه، تحلیل و ارزیابی می‌شوند (قوام، ۱۳۹۳: ۱۶۷). همان‌طور که واسکوئز نظریه را یک گفتمان تعریف می‌کند که درصدد است از میان هر آنچه اتفاق می‌افتد، حوادث مهم را شناسایی کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۱۱۷). ما نیز در راستای پاسخ به پرسش اصلی پژوهش از مفاهیم و گزاره‌های مکتب کپنهاگ و واقع‌گرایی تدافعی استفاده کرده‌ایم تا بتوانیم مسئله موجود را با آن تشریح و تحلیل کنیم؛ زیرا مفاهیم این مکتب تلاش کرده با بیان این موضوع که تهدیدات غیر نظامی می‌توانند امنیت، ثبات و بقای کشورها و همچنین زندگی افراد را تضعیف کنند، به گسترش و تعمیق تعریف امنیت کمک کند. در حال حاضر رویکردهای متفاوت و مختلفی در رابطه با چگونگی مطالعه و تحلیل امنیت وجود دارد.

یکی از مفاهیم قابل استفاده در این حوزه، معما یا تنگنای امنیتی است که ریشه در واقع‌گرایی تدافعی دارد. نظریه پردازان این رویکرد نظری معتقدند دولت‌ها ذاتاً تجاوزکار نیستند و چهار مفروضه شامل ساختار ظریف قدرت، عرصه سیاست داخلی، برداشت‌های ذهنی رهبران و درنهایت معمای امنیت مبنای این رویکرد نظری را شکل می‌دهند و از آنجا که دولت‌ها همیشه امنیت جو هستند، با معمای امنیت روبه‌رو می‌شوند (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۱۳۳)؛ البته وضعیت جغرافیایی و چگونگی قرار گرفتن کشورها در کنار یکدیگر و همچنین میزان اختلافات مرزی یا جغرافیایی میان کشورهای عضو یک مجموعه نیز می‌تواند در ایجاد معمای امنیت در کشورهای منطقه مؤثر باشد (Kelly, 2007: 198). از دید بسیاری از پژوهشگران کشورها از راه‌های مختلف مانند روش‌های سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی، کنترل تسلیحاتی و بازدارندگی استفاده می‌کنند تا از به‌خطر افتادن امنیت خود جلوگیری کنند (Miller, 2005: 236).

اگرچه دستیابی به یک توافق جمعی در خصوص روش تعریف امنیت هنوز محقق نشده است؛ شکی وجود ندارد که مکتب کپنهاگ حوزه وسیع‌تری را برای مفهوم امنیت ارائه کرده و بنابراین دارای کاربرد بیشتری در سیستم جهانی است؛ بنابراین، با توجه به نظریات مکتب کپنهاگ، در حالی که عوامل عینی و مادی در درک امنیت مهم هستند، تحلیل دامنه وسیع‌تری از امنیت که شامل بخش‌های سیاسی،

اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است، مهم تلقی می‌شوند. این مکتب را آثار باری بوزان و ال ویور تشکیل می‌دهد که بر سه اصل استوار است: ۱- سطح تحلیل آن، جهانی نیست و بیشتر به تحلیل منطقه‌ای گرایش دارد. ۲- بخش‌ها و ابعاد امنیت، متعدد هستند و تنها نظامی‌گری را شامل نمی‌شود. ۳- در خصوص امنیتی کردن موضوعات نیز دیدگاه خاصی را دنبال کرده و باور به نفی آن دارد (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۳: ۱۰۶).

بوزان برخلاف دیدگاه رویکردهای پیشین در مورد امنیت که آن را امری عینی و واقعی تصور می‌کردند، بیان می‌دارد که امنیت مسئله‌ای است بین‌ذهنی<sup>۱</sup> که بر تصمیم بازیگران مبتنی خواهد بود. بدین ترتیب ممکن است برداشت و ادراکات امنیتی مختلف و متفاوتی از سوی بازیگران مختلف حتی در مورد موضوعی خاص، روی دهد؛ از دیگر سو برداشت و ارزیابی دیگران در مورد امنیتی ساختن موضوعی به وسیله یک بازیگر اهمیت می‌یابد؛ زیرا این برداشت و ارزیابی آن‌ها در نهایت بر چگونگی تصمیم‌گیری و پاسخ‌های آن‌ها تأثیر می‌گذارد (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۳: ۱۳۶-۱۳۷) بر همین اساس در حالی که موضوعی نزد بازیگری می‌تواند به عنوان تهدیدی امنیتی قلمداد شود، همان مسئله نزد بازیگر دیگر مسئله‌ای عادی پنداشته می‌شود. این مسئله تنگنای امنیت نامیده می‌شود؛ برای مثال در حالی که کشوری افزایش قدرت نظامی خود را برای مقاصد دفاعی مد نظر قرار می‌دهد، این مسئله از سوی قدرت همسایه یا رقیب به عنوان تهدید علیه امنیت ملی خود تلقی می‌شود.

بوزان با انتقاد از نگاه حداقلی به مسئله امنیت در دیدگاه سنتی در مورد مطالعات مربوط به قدرت و نظامی محوری، امنیت را در ابعاد پنج‌گانه نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی گسترش داده است. دلیل وی برای نیاز به گسترش مفهوم امنیت به شرح ذیل است: افزایش سطح روابط میان کنش‌گران نظام بین‌الملل باعث تغییر و دگرگونی چهره تهدیدات شده و انواع دیگری از تهدیدها به جز تهدیدات نظامی ظهور یافته‌اند. ویژگی‌های سیاسی امنیت نیز از این دلایل است؛ برای نمونه مفهوم امنیت موسع، باعث جلوگیری از اختلافات میان رئالیست‌ها و آرمان‌گراها می‌شود؛ زیرا از یک سو باعث مهیا شدن فضای صلح برای بازیگران طالب صلح می‌شود؛ اما در عین حال به آن‌هایی که به دنبال سلطه بر دیگران هستند، مجال چندانی نخواهد داد. سومین دلیل به ویژگی چندبعدی بودن امنیت از لحاظ فکری برمی‌گردد. در این چارچوب مفهوم امنیت به عنوان پیونددهنده میان تئوری و تحلیل اقدام می‌کند و تئوری روابط بین‌الملل، اقتصاد سیاسی بین‌الملل، مطالعات منطقه‌ای، مطالعات استراتژیک و سایر حوزه‌های سیاست بین‌الملل را به هم پیوند می‌دهد (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۳: ۱۴۳).

در این راستا بوزان اظهار می‌دارد که طرح مکتب کپنهاگ برای سیاست‌مداران در رویارویی با تهدیدها آن است که به‌جای بحث در مورد تهدیدات امنیتی به شناسایی فرایندی توجّه نمایند که در نتیجه آن تهدید امنیتی شکل می‌گیرد. بدین ترتیب که امنیت پدیده‌ای است که در بستر یک فرایند شکل می‌گیرد؛ بدین صورت، پیشنهاد بوزان برای سیاست‌مداران این است که به‌جای اینکه بیشترین تلاش و تمرکز خود را برای مقابله با آن صرف کنند، بهتر است که به شناسایی فرایندی پردازند که باعث به‌وجود آمدن تهدیدهای امنیتی شده است. به‌باور بوزان از این راه می‌توان مانع از به‌وجود آمدن زمینه‌های شکل‌گیری تهدیدات امنیتی شد (بوزان، ۱۳۷۹: ۱۴). از این رو در پژوهش حاضر زمینه شکل‌گیری تهدیدات علیه ایران را در رویکردهای سیاسی احزاب اسلامی اقلیم کردستان عراق جستجو می‌شود. عطف به مفاهیمی همانند کنش‌گفتاری، معنابودگی امنیت و امنیت اجتماعی در چارچوب رویکرد رئالیسم تدافعی و همچنین مکتب کپنهاگ این چارچوب نظری برای تحلیل کنش‌های گفتاری سران احزاب مورد مطالعه، روابط بین گروه‌های اهل سنت و کردی در ایران و اقلیم کردستان عراق و همچنین ارزیابی تهدیدات به کار می‌آید.

### پیشینه احزاب اسلامی اقلیم کردستان عراق

فروپاشی امپراتوری عثمانی موجب به‌وجود آمدن کشورهای جدیدی همچون عراق شد. در این بین بخش‌های کردنشین امپراتوری عثمانی بین سه کشور تازه‌تأسیس سوریه، عراق و ترکیه تقسیم گردید. فروپاشی عثمانی جریان‌های استقلال‌خواهی کردی را وارد مرحله تازه‌ای کرد و بر خواست و عزم کردها به‌منظور تشکیل یک کشور مستقل یا حداقل خودمختار افزود. مطالعه پیشینه احزاب کردی نشان می‌دهد با وجود حضور سردمداری برخی از اشخاص مذهبی عموماً از جریانات چپ، قوم‌گرا و سکولار کشورهای غربی بوده‌اند؛ اما در اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی شاهد ظهور نوع جدیدی از احزاب و جریانات در میان کردها به‌ویژه کردهای عراق هستیم که برخلاف دیگر احزاب کردی و تحت تأثیر قدرت‌گیری جنبش‌های اسلامی، دیگر کشورهای غرب آسیا اسلام را مبنایی برای عملکرد و فعالیت‌های سیاسی خود قرار دادند و به اسلام سیاسی گرایش یافتند.

گروه‌های اسلامی به‌ویژه پس از سال ۱۹۹۱ و با به‌وجود آمدن خودمختاری سیاسی در کردستان عراق فضایی مساعد برای فعالیت‌های سیاسی یافتند از این رو، اقدام به سازمان‌دهی خود نموده و با این امید که بتوانند با پشتوانه آرای مردم حکومت را به‌دست گیرند و حکومتی با مبانی اسلامی را تشکیل دهند، در روند تشکیل حکومت محلی مشارکت نمودند. هرچند که در ابتدا تفوق چندانی حاصل نشد،

ولی به مرور زمان و با تأسیس احزاب میانه‌روی اسلامی با رویکردی جدید مشروعیتشان در میان مردم بیشتر شد. این احزاب همواره با گسترش مناسبات خود با دولت‌های دیگر نسبت به تقویت جایگاه خود توجه تام می‌ورزیدند.

گسترش نفوذ و فعالیت حزب جنبش اسلامی در کردستان عراق، به‌خصوص در ناحیه تحت امر حزب اتحادیه میهنی به رهبری جلال طالبانی سبب بروز اختلافات جدی بین دو حزب شد و به درگیری‌های خشونت‌باری انجامید. درگیری داخلی آن‌ها برای مدت مدیدی و در طی مراحل جریان پیدا کرد، ولی میانجی‌گری‌های ایران به مناقشات پایان داد (حق‌پناه، ۱۳۸۷: ۶۵). این میانجی‌گری نشان‌گر نفوذ حکومت ایران در این منطقه بوده و به‌ویژه توان تأثیرگذاری روی حزب جنبش اسلامی را نمایان ساخت.

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ میلادی در غالب جریان‌ات اسلام‌گرای آن دوره تحرکی بزرگ ایجاد کرد و شور دستیابی به حکومت دینی را در میان آن‌ها تقویت کرد (اسپوزیتو، ۱۳۸۶: ۱۸). در شمال عراق نیز این تأثیر خود را در جریان اسلامی نشان داد و آن‌ها نیز به سازمان‌دهی خود پرداختند و در مواردی هم با ایران ارتباطاتی برقرار نمودند (احمدی، ۱۳۹۰: ۳۰۷). فشارهای صدام بر کردها و آوارگی کردهای عراقی در ایران، زمینه تقویت این ارتباط را فراهم کرد. هرچند که گروه فعال اسلامی کردی آن زمان به مجاهدین افغان نزدیک‌تر بود، ولی مبانی اسلامی در نزدیکی و ایجاد همدلی در این گروه‌های مذهبی و سیاسی با جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار بوده است. مبانی فکری و اعتقادی جمهوری اسلامی ایران از جمله صدور ارزش‌های اسلامی، لزوم همکاری و ارتباط با جریان‌ات اسلامی در سطح منطقه و پهنه بین‌المللی را مطرح می‌سازد. تحولات اقلیم کردستان به دلیل شکل‌گیری بر ساختار هویتی و اشتراکات هویتی با کردهای ایران از لحاظ امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران مهم است.

از یک‌سو تشدید هویت‌خواهی قومی در اقلیم می‌تواند سرریز بحران به داخل مرزهای ایران را داشته باشد و از دیگر سو عطف توجه به مذهب در کردستان عراق از شدت فشار هویتی و در نتیجه آن امنیتی شدن هویت قومی در ناحیه کردنشین ایران می‌کاهد؛ البته این خود می‌تواند به‌عنوان تهدیدی در خصوص تقویت گرایش کردهای ایرانی به گروه‌های سلفی و در نتیجه افزایش فاصله و شکاف با مذهب رسمی و اکثریت جمعیت ایران به‌شمار آید. تصور بر این است که مشی اعتدالی احزاب اسلامی و همکاری ایران با آن‌ها در تأثیرگذاری بر افکار عمومی مردم کردستان و اسلام‌گرایان متمرثر خواهد بود.

پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی مطابق با برخی پیمان‌ها، همچون سور بارقه‌هایی از امید به منظور ایجاد یک دولت یا خودمختاری برای کردها به وجود آمد؛ اما با مخالفت جدی مصطفی کمال پاشا و همچنین عدم تمایل بریتانیا این امر محقق نشد. تحرک کردها برای تشکیل حکومت کردستان قوت گرفت و جنبش‌های زیادی به وجود آمدند. نامالیقات دولت‌های جدید با کردها به ویژه در عراق این تفکر را در بین کردها قوت بخشید تا دولتی مستقل نداشته باشند و همچنان فرودست باقی خواهند ماند. شور این اشتیاق باعث شکل یافتن هر چه بیشتر احساسات قومی در بین مردم کرد شد جریانات و گروه‌های کردی متأثر از جریانات فعال آن دوران به خصوص سوسیالیست‌ها بودند؛ اما از سوی دیگر در کردستان ریشه‌های مذهب در میان اکثریت مسلمان آن بسیار عمیق است و از این رو بود که هرگاه رهبری جنبش‌های کردی به وسیله افراد سرشناس مذهبی صورت می‌گرفت، مردم با توجه به اعتماد و ارزشی که برای مذهب و افراد آیینی قائل بودند به دعوت آن‌ها لیبک می‌گفتند. از طرفی با توجه به نوع خواسته کردها که بیشتر بر هویت کردی تکیه داشتند، سبب شده که عملاً هیچ جریان اسلامی سازمان‌یافته در مناطق کردنشین در بطن خیزش مردمی شکل نگیرد. تا اینکه در سالیان پایانی دهه ۱۹۷۰ میلادی، یعنی در سال ۱۹۷۸ اولین ایده تأسیس حزب اسلامی کردی به نام جنبش رابطه اسلامی کردستان عراق (بزووتنه‌وه په‌یه‌وه‌ندی ئیسلامی کوردستانی عیراق) به رهبری شیخ محمد برزنجی شکل گرفت. این حزب تا سال ۱۹۸۷ میلادی سه کنگره تشکیل داد که اولین کنگره آن در ۱۱ آگوست ۱۹۸۵ برابر با ۲۰ مرداد ۱۳۶۳ شمسی بود و دومین و سومین کنگره‌هایش نیز در سال‌های ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ تشکیل شد.

پس از شیخ محمد برزنجی، شیخ عبداللطیف برزنجی (واژه‌ای) به رهبری این حزب برگزیده شد. روابط این حزب اسلامی با دو حزب اتحادیه میهنی کردستان و حزب سوسیالیست در کردستان عراق حسنه بود و با جمهوری اسلامی ایران هم روابط گرمی داشت. در نهایت حزب رابطه اسلامی در مارس ۱۹۸۷ پس از کناره‌گیری شیخ عبداللطیف واژه‌ای، عثمان عبدالعزیز با ترکیب جدیدی از اعضای شورای مرکزی حزب جنبش اسلامی (بزووتنه‌وه ئیسلامی) را شکل داد. این حزب در شرایطی تأسیس شد که فضای ناشی از انقلاب اسلامی در ایران و همچنین تحرک گروه‌های اسلامی در جنگ جهانی افغانستان علیه شوروی، حرکت‌های اسلامی را در منطقه و همچنین ناحیه کردستان عراق گسترش داد؛ بنابراین همان‌طور که شرح آن رفت، یک حزب جدید اسلامی در کردستان به وسیله ملا عثمان عبدالعزیز و چند روحانی سنی دیگر که همگی اعضای «یکتی ماموستایانی آیینی اسلامی» یا «اتحادیه روحانیون اسلام» و عموماً از اعضای حزب قدیمی‌تر رابطه اسلامی کردستان بودند در سال ۱۹۸۷



تشکیل شد که در قالب حزب «بزوتنه‌وهی ئیسلامی له کوردستانی عیراق» یا «جنبش اسلامی در کردستان عراق» و به شکل یک جریان اسلامی کردستانی مسلح با همکاری جمهوری اسلامی ایران به فعالیت پرداختند (علی، ۲۰۰۴: ۲).

جنبش اسلامی و سلفش، یعنی جنبش رابطه اسلامی کردستان عراق به نبرد مسلحانه با رژیم بعثی پرداختند. اعضای این گروه پس از حملاتی که صدام در راستای پاک‌سازی قومی کردها انجام داد، به ایران آواره شدند. در مدت آوارگی در ایران اسلام‌گراهای کردستان عراق به فعالیت و کار سازمانی اقدام کردند که از جمله آن‌ها ماموستا صلاح‌الدین بهاء‌الدین و دیگر هم‌فکران وی بودند. این طیف که به اخوان المسلمین گرایش داشتند، بعدها حزب اتحاد اسلامی کردستان (به کنگرتووی ئیسلامی کوردستان) را تأسیس نمودند (علی، ۲۰۰۴: ۸).

پس از اعلام منطقه پرواز ممنوع به وسیله آمریکا در مدار ۳۶ درجه در سال ۱۹۹۱ میلادی در شمال عراق یک منطقه خودمختار برای کردها ایجاد شد. کردها فوری به نهادسازی پرداخته و شکل حکومتی به خود گرفتند، گروه‌های اسلامی نیز برای اینکه از قافله عقب‌نمانند، در روند انتخابات و دستیابی به قدرت وارد شدند تا در بستری که فراهم شده بود، برای برقراری یک حکومت با مبانی و شریعت اسلام تلاش نمایند؛ بنابراین عمده جریان‌های اسلامی آن دوره اقدام به دادن یک لیست مشترک به نام لیست اسلامی در انتخابات نمودند. پس از برگزاری انتخابات قدرت عمده حکومت به دست دو حزب مبارز دیرینه، یعنی دمکرات کردستان به رهبری مسعود بارزانی و اتحادیه میهنی کردستان به رهبری جلال طالبانی افتاد و لیست اسلامی تنها حدود ۵٪ از آرا را از آن خود کرد (حق‌پناه، ۱۳۸۷: ۸۶). این ناکامی سبب شد که هر کدام از گروه‌های اسلامی با مقصردانستن دیگری به فعالیت جداگانه پردازند. در دوره جدید منطقه خودمختار کردستان در عراق شاهد اتفاقات و درگیری‌های بسیاری بین احزاب کرد به‌ویژه حزب دمکرات کردستان و حزب اتحادیه میهنی بود، شمال عراق در نتیجه جنگ بین دو حزب دمکرات بارزانی و حزب اتحادیه میهنی طالبانی، به دو قسمت تقسیم شد. جنبش اسلامی برای گسترش نفوذ و اقتدار خود در شهرهای ناحیه هورامان به‌ویژه شهر حلبچه فعالیت داشت. این منطقه که به نوعی حوزه استحفاظی اتحادیه میهنی کردستان بود، فعالیت‌های جنبش را برتافت و مدتی پس از کشمکش‌های فراوان درگیری مسلحانه بین حزب طالبانی و اسلام‌گرایان گرد در گرفت.

جنبش اسلامی در کردستان عراق با توجه به موقعیت جغرافیایی که در آن قرار داشت، در جنگ با اتحادیه میهنی کردستان که بسیار قدرتمندتر از این گروه بود تا حدودی توانست خود را حفظ کند و در همان منطقه هورامان نیز طرفداران بسیاری را جذب نمود. پس از چند دوره جنگ و اختلاف بین

اتحادیه میهنی و جنبش اسلامی، جمهوری اسلامی با باز کردن باب گفتگو و مذاکره، آن‌ها را به ترک مخاصمه دعوت کرد و در نهایت دو حزب باهم صلح کردند و در مه ۱۹۹۷ میلادی در تهران با میانجی‌گری ایران توافق‌نامه‌ای را بین خود عقد نمودند.

توافق‌نامه تهران به مذاق برخی از اعضای جنبش اسلامی خوش نیامد، در نتیجه از آن جدا شده و جناح‌های دیگری بانام حماس و توحید به وجود آوردند؛ اما رهبر کاریزماتیک جنبش عثمان‌العزیز بر ادامه مصالحه تأکید نمود (احمدی، ۱۳۹۰: ۳۱۰). جنبش اسلامی برای موفقیت در انتخابات دست به ابتکارهایی زد و متعاقباً جریان‌هایی در داخل آن موافق و مخالف این ابتکارات و اعمال می‌شدند؛ برای نمونه جنبش اسلامی در سال ۱۹۹۹ با گروه نهضت اسلامی ائتلاف جدیدی به نام جنبش وحدت اسلامی در کردستان عراق به رهبری علی‌العزیز را به وجود آورد. هر چند این وحدت در نتیجه انتخابات تا حدود زیادی به نفع آن‌ها تأثیر فراوان داشت؛ ولی این ائتلاف چندان دوام نیاورد و نام حزب دوباره به جنبش اسلامی در کردستان عراق تغییر یافت.

گروه‌هایی از جنبش جدا شدند که به نبرد مسلحانه و جهاد معتقد بودند؛ برای نمونه گروه مبارز معروف در کردستان به نام انصار الاسلام، در سال ۲۰۰۲ از جنبش اسلامی تشکیل شد؛ به طوری که در سال ۲۰۰۰ جنبش وحدت اسلامی کنگره اول خود را در شهرک تویله در اورامان تشکیل داد و چالش‌های مختلفی درونی در آن بروز کرد که در نهایت در اواسط ۲۰۰۱ این حزب به چند گروه از جمله جنبش اسلامی به رهبری علی‌العزیز و جماعت اسلامی به رهبری علی‌بایر، جنبش جندالاسلام در بیاره تقسیم شد. جندالاسلام نیز در سال ۲۰۰۲ با جماعت اصلاح ملا کریکار وحدت کردند و حزب انصار الاسلام اعلام موجودیت کرد. گروهی نزدیک به علی‌بایر همان‌طور که شرح آن رفت، به نظامی‌نویین معتقد بود در سال ۲۰۰۱ از دل حزب جنبش اسلامی بیرون آمد و حزب جماعت (جمعیت) اسلامی کردستان عراق (کومه‌لی ئیسلامی کوردستان عراق) را تأسیس کردند (علی، ۲۰۰۴: ۵). این حزب در کنگره چهارم خود در سال ۲۰۲۱ پس از بیست سال فعالیت نام خود را از جماعت اسلامی کردستان به جماعت عدالت کردستان تغییر داد و همچنین منصب امیر حزب نیز به رهبر حزب تغییر یافت.

مهم‌ترین حزب اسلامی امروز در اقلیم کردستان، حزب اتحادیه اسلامی کردستان است که زمینه‌های آن از قبل وجود داشت؛ اما در قالب حزب به طور رسمی در سال ۱۹۹۴ تأسیس شد. حزب اتحادیه اسلامی کردستان با برنامه‌هایی در راستای توسعه کردستان وارد کارزار انتخاباتی و سیاست شد، به لحاظ مذهبی با گرایش‌های اخوانی و میانه‌رو سازگاری بیشتری دارد؛ البته از همان ابتدا جنبه‌های

قومی و هویت کردی در آن بسیار مورد اهمیت و توجه قرار گرفت. با توجه به فعالیت‌های قبلی آن و همچنین استراتژی که انتخاب کرده بود، به سرعت رشد کرد و توانست در انتخابات محلی نیز موفقیت‌هایی به دست آورد.

### جایگاه و نقش احزاب اسلامی اقلیم کردستان عراق پس از ۲۰۰۳

فضای سیاسی در عراق جدید و تثبیت نظام سیاسی پارلمانی در این کشور و به خصوص در اقلیم کردستان روند دمکراتیک مشارکت سیاسی را ساده‌تر و مستحکم‌تر نمود. از سال ۲۰۰۳ به این سو سه حزب اسلامی جنبش اسلامی در کردستان عراق، اتحادیه اسلامی کردستان و جماعت اسلامی کردستان (جماعت عدالت کردستان کنونی) فعالیت‌های جدی تشکیلاتی سیاسی و انتخاباتی داشته‌اند. هرچند یکی از گروه‌های جهادی مسلح (انصار السنه) منشعب از جنبش اسلامی نیز فعالیت‌هایی داشته، اما آن‌ها در همان ابتدای حمله ۲۰۰۳ آمریکا به عراق، به وسیله نیروهای آمریکایی و با نقش اساسی حزب اتحادیه میهنی، متحمل شکست‌های اساسی شدند (عبدالخالق، ۲۰۱۴: ۳۱۴) پس از این واقعه، هیچ حزب اسلامی مسلحی در کردستان به وجود نیامده است.

حزب اتحاد اسلامی کردستان قدرتمندترین حزب اسلامی در کردستان است که اهداف خود را در راستای تلاش برای استقلال کردستان و ایجاد یک حکومت کردی براساس شریعت اسلامی تنظیم کرده است. در برنامه سیاسی خود از ابزارهای صلح و گفت‌وگو برای تحقق دمکراسی سخن می‌گوید (عبدالخالق، ۲۰۱۴: ۳۸۴). کتاب‌ها و نوشته‌های بسیاری در باب توسعه در زمینه‌های مختلف در کردستان ارائه نموده‌اند. در انتخابات پارلمان در سال ۲۰۱۳ موفق به کسب ۱۰ کرسی از ۱۱۱ کرسی موجود پارلمان کردستان شد (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۵۳). در مورد ارتباط آن‌ها با اخوان المسلمین که در واقع اساس و مبنای فکری آن‌ها بر اصول این حزب بنا شده است، هادی علی می‌گوید: امروزه این بحث اساساً منتفی است برای اینکه اخوان هم‌اکنون به آن شکل قبلی و قدرت سابق نیست و به طور کلی از وضعیتی مطلوب برخوردار نیست (علی، ۱۳۹۳).

جنبش اسلامی در کردستان عراق اولین حزب با سابقه اسلامی این منطقه است که کشمکش‌ها و اتفاقات فراوانی که به خود دیده است. در دوره فعالیت اخوان المسلمین در عراق به وجود آمده و با ایران نیز روابطی داشتند. انقلاب اسلامی بر تحرک و فعالیت‌های جنبش اسلامی اثر گذار بود. این حزب در حال حاضر از نظر سیاسی و به خصوص اقتصادی در فشار به سر می‌برد.

جدول (۱). نتایج انتخابات پارلمان محلی اقلیم کردستان عراق سال ۲۰۰۵

تعداد کرسی	نام حزب یا لیست ائتلافی	
۹	اتحادیه اسلامی کردستان	۱
۶	جماعت اسلامی کردستان/عراق	۲
غیرفعال	جنبش اسلامی در کردستان/عراق	۳

جدول (۲). نتایج انتخابات پارلمان محلی اقلیم کردستان عراق سال ۲۰۰۹

تعداد کرسی	نام حزب یا لیست ائتلافی	
۶	اتحادیه اسلامی کردستان*	۱
۴	جماعت اسلامی کردستان/عراق	۲
۲	جنبش اسلامی در کردستان/عراق	۳

\* در این دوره‌ی انتخابات ۴ حزب جماعت اسلامی، اتحادیه اسلامی، سوسیال دموکراتیک، آینده باهم ائتلاف نمودند که ۱۳ کرسی به دست آوردند و متناسب با هر حزب آن را بین خود تقسیم نمودند.

جدول (۳). نتایج انتخابات پارلمان محلی اقلیم کردستان عراق سال ۲۰۱۳

تعداد کرسی	نام حزب یا لیست ائتلافی	
۱۰	اتحادیه اسلامی کردستان	۱
۶	جماعت اسلامی کردستان/عراق	۲
۱	جنبش اسلامی در کردستان/عراق	۳

جدول (۴). نتایج انتخابات پارلمان محلی اقلیم کردستان عراق سال ۲۰۱۸

تعداد کرسی	نام حزب یا لیست ائتلافی	
۵	اتحادیه اسلامی کردستان	۱
۷	جماعت اسلامی کردستان/عراق	۲
۰	جنبش اسلامی در کردستان/عراق	۳

جدول‌ها از آمارهای ارائه شده انتخابات پارلمان اخذ شده‌اند (هوشیاری هه‌لبژاردن، بلاو کراوه‌یه کی

کومه‌لی ئیسلامی کوردستانی عراق: ۱۲)

### رویکردهای احزاب اسلامی نسبت به جمهوری اسلامی ایران

آغاز فعالیت‌های سیاسی براساس مبانی اسلامی در کردستان عراق، با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران

قرین بود و همان‌طور که پیش‌تر شرح آن رفت. از همان زمان جریانات اسلامی کردی با جمهوری اسلامی روابط داشتند، این روابط از حمایت فکری و معنوی گرفته تا حمایت تسلیحاتی متفاوت بوده است. در اندازه و نوع کمک‌ها ابهامات بسیاری وجود دارد و اطلاعات چندانی در این باره در دست پژوهشگران و کارشناسان نیست. جریانات و گروه‌های اسلامی کردی از یک‌سو از اخوان المسلمین و از دیگر سو از گروه‌های جهادی در افغانستان تا حدود زیادی متأثر شده‌اند و دارای اعضای در بین آن جریان‌ها نیز بوده‌اند؛ اما حال عمده‌ترین جریان آن زمان، یعنی جنبش اسلامی از بسیاری از این جریانات و افراد در داخل حزب تصفیه شده است؛ ولی باز هم گمانه‌هایی در داشتن رابطه با جهادی‌ها و اخوانی‌ها وجود دارد.

به‌طور کلی حمایت‌ها نسبت به گروه‌های کردی اسلامی مبهم بوده است. به‌نظر می‌رسد که تا به حال این رابطه بیشتر تحت‌الشعاع همکاری با دو حزب برتر کردستان عراق، یعنی دمکرات کردستان و اتحادیه میهنی کردستان بوده است. از یک‌سو احزاب دمکرات بارزانی و اتحادیه میهنی طالبانی از دیرباز با ایران ارتباطات گسترده و بسیار نزدیکی داشته‌اند و از دیگر سو با توجه به وجود احزاب معاند ایرانی، به‌خصوص حزب دمکرات کردستان ایران، در خاک کردستان عراق، ایران به داشتن ارتباط با احزاب بارزانی و طالبانی اکتفا کرده است و خاصه اینکه اتحادیه میهنی در جریان حمله به مقر حزب دمکرات کردستان ایران در ۶۵ کیلومتری داخل خاک عراق با جمهوری اسلامی همکاری نمود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۷۲).

در کردستان عراق جریانات اسلامی متناسب با خاستگاه عمیق مذهبی اهل سنت شکل یافته‌اند، پر واضح است که به‌سبب نوع مذهب، نگرش‌های مذهبی مردم و همچنین میزان نفوذ مذهب میان مردم این منطقه نمود شکل‌گیری جریانات اسلامی در کردستان با ایران متفاوت است. وجه شیعی انقلاب اسلامی ایران و به‌ویژه بحث ولایت فقیه آن یکی از عمده موارد اختلاف با بیشتر جریانات سنی مذهب است (احمدی، ۱۳۹۰: ۳۲۲)؛ از سوی دیگر در صورت پررنگ‌تر شدن نقش احزاب اسلامی اقلیم کردستان و افزایش نفوذ میان کردها و متعاقباً گسترش مناسبات ایران با آن‌ها، ورود جدی دیگر بازیگران اسلام‌گرا همچون وهابی‌ها، سلفی‌ها، اخوانی‌ها و قدرت‌های منطقه‌ای مانند ترکیه و عربستان به برای رقابت ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک در این منطقه را محتمل‌تر می‌نماید. با اینکه تفاوت مذهب هم می‌تواند عاملی در عدم شکل‌گیری همکاری گسترده بین جمهوری اسلامی ایران و جریانات اسلامی کردی باشد؛ اما می‌توان گفت با توجه به حمایت‌های ایران از سنی‌ها در دیگر نقاط، این مسئله چندان قابل توجه نیست و نبود همکاری و هماهنگی بیشتر متأثر از مقتضیات آن دوره بوده است که البته شرایط

آن زمان نسبت به حال تغییرات عمده‌ای به خود دیده است. این تغییرات بیشتر شامل گسترش نفوذ اسلام‌گرایان است. هر سه حزب اسلامی با هم ۱۲ کرسی از ۱۱۱ کرسی پارلمان دارند. براساس جدول (۴) دیده می‌شود که کرسی‌هایشان در انتخابات اخیر نسبت به گذشته کاهش یافته است. باوجود گرایش‌های عمیق مذهبی در مردم اقلیم بسیار و شعار برقراری دولتی فاقد فساد که بارها از تریبون و در برنامه‌های احزاب اسلامی مشاهده شده، می‌توان گفت ظهور پدیده‌ی داعش در عراق و تأثیر سوء بر ذهنیت مردم این منطقه موجب تضعیف احزاب اسلامی در اقلیم کردستان شده است.

احزاب اسلامی فعال در کردستان تقریباً از مشی میانه‌روی پیروی می‌کنند. هرچند که سطح برخورد آن‌ها نسبت به مسائل مربوط به حوزه‌ی شریعت با یکدیگر متفاوت است؛ ولی به‌طور کلی با نگاه به دیگر نحله‌های مذهبی موجود در کردستان، یعنی سلفی‌ها و وهابی‌ها می‌توان با قیاس گرفتن، مشی احزاب اسلامی را تا حدودی در یک جبهه و مشی گروه‌های سلفی و وهابی را در یک طرف سنجید. نمود این تفاهم‌ها در بین اسلام‌گرایان سیاسی کرد و همچنین تفاوت بین احزاب اسلامی و سلفی‌ها را در اساس‌نامه‌ی احزاب اسلامی می‌توان مشاهده کرد.

با بررسی اساس‌نامه‌های احزاب اسلامی در دوره‌های مختلف گرایش آن‌ها به سمت قومیت‌گرایی و توجه به منافع قومی را می‌توان مشاهده کرد. آرزوی دیرینه کردها برای داشتن یک دولت کردی در کردستان عراق و همچنین اختلافات حکومت اقلیم با بغداد بر سر برخی اراضی و به‌طور خاص کرکوک و مسئله نفت و گاز و حدود اختیارات اقلیم در استخراج و فروش آن‌ها از مسائل موجود در کردستان است. به‌نظر می‌رسد با توجه به نوع مسائل و مطالباتی که جنبه قومی دارند و به‌وسیله سایر گروه‌ها برجسته می‌شوند، افکار عمومی بیشتر به یک گروه قوم‌گرا و قدرتمند اقبال دارد تا اینکه به حزب اسلام‌گرا گرایش داشته باشد. درک احزاب اسلامی از این واقعیت‌های میدانی باعث شده به سمت قوم‌گرایی سوق پیدا کنند. این تغییر رویه در دوره‌های اخیر کنگره‌های احزاب اسلامی مورد تأکید قرار گرفته و آن را در اساس‌نامه خود به‌عنوان برنامه آتی حزب گنجانده‌اند. تغییر نام حزب جماعت اسلامی کردستان در کنگره چهارم این حزب در سال ۲۰۲۱ و نشانیدن واژه عدالت به‌جای اسلامی در عنوان این حزب نشان‌گر دگرگونی حداقل در برنامه‌های این حزب اسلامی اقلیم کردستان عراق است. با این حال دیدگاه احزاب اسلامی به نسبت مسائل قومی متفاوت است.

به‌نظر می‌رسد این گونه تغییر رویه‌ها برای دو حزب جنبش اسلامی و جماعت عدالت؛ بیشتر یک تاکتیک باشد تا یک تغییر اساسی که بتوان از آن به‌عنوان استراتژی یاد کرد. هرچند که هر سه حزب قضیه تعیین سرنوشت را در چارچوب عدالت اسلامی تعبیر و تفسیر می‌کنند و از این رو تقابل و تضادی

بین خواسته مردم کردستان برای استقلال و احکام و مبانی اسلام نمی‌بینند و حتی آن را هم‌راستا می‌دانند.

دکتر هادی علی از اعضای دیرین و برجسته حزب اتحادیه اسلامی در مورد همکاری و ارتباط با جمهوری اسلامی ایران ابراز می‌دارد که ما در سال‌های جنگ بین ایران و عراق به ایران آواره شده بودیم، در آنجا تا حدودی شکل گرفته بودیم و از کمک‌های معنوی ایران برخوردار شده‌ایم. ما از اهمیت اقلیم کردستان و همچنین علاقه‌مندی آنان به مسائل کردستان آگاه هستیم. در کل در سیستم و طرز تلقی ما از اسلام همه نحل‌های فکری جای می‌گیرند، در نتیجه فرقی بین سنی و شیعه قائل نیستیم و با احزاب شیعی مخالفتی نداریم و در پاسخ به پرسشی مبنی بر ارجحیت همکاری با حزب اردوغان (عدالت و توسعه) در ترکیه و ایران، به کدام سو تمایل بیشتری خواهد نمود، می‌گوید: از نظر ما جمهوری اسلامی توجه بیشتری به احزاب اسلامی دارد و ما بر اساس و در راستای منافع قومی مردم کردستان عمل خواهیم کرد (علی، ۱۳۹۳).

حزب باسابقه جنبش اسلامی، ایران را مأمّن و پناهگاه کردها می‌داند که در همه بحران‌ها به کمکشان شتافته است. مدّعی همکاری با کنسول ایران در اربیل و مشارکت در مراسم‌های همدیگر می‌باشد و بر لزوم همکاری‌های بیشتر تأکید می‌نماید که این مهم را با تأکید بر روی زمینه‌های مشترک و عدم توجه به اختلافات مذهبی میسر می‌داند. دکتر ورته سخنگوی دفتر سیاسی حزب جنبش اسلامی در کردستان عراق اظهار می‌کند: مردم کرد مورد ظلم قرار گرفته‌اند و تا یک دولت کردی مستقل برایشان ایجاد نشود، حقوقشان محقق نخواهد شد. هم‌اکنون در برهه‌ای خاص قرار داریم. پیرو منافع خاصی هستیم و در چارچوب این منافع اقدام به ایجاد ارتباط با دیگر بازیگران خواهیم نمود. وی در ادامه در مورد بحث سنی و شیعه می‌افزاید: اختلافات فکری زیادی در مسائل اعتقادی، عبادات، خانواده، ازدواج، فکری و فلسفی، تفسیر قرآن و فقه بین ما و اهل تشیع وجود دارد. بایستی سعی شود که اختلافات را کمتر کنیم و رقابت‌های موجود بی‌خودی به ضرر اسلام است (ورته، ۱۳۹۳).

نگاه واقع‌بینانه نسبت به مسائل بین‌المللی در حزب اتحادیه با این سخن عمر اسماعیل (عضو ریاست مشترک حزب اتحاد اسلامی کردستان) که ما همکاری و هماهنگی با هریک از کشور ایران و سایر کشورها را سیاسی و نه اسلامی می‌دانیم و آن را بر اساس منافع کردی تنظیم می‌کنیم، کاملاً مشخص می‌شود. وی مدّعی است که در تهران نماینده‌ای برای هماهنگی با ایران دارند و به کنسولگری ایران نیز رفت‌وآمد دارند.

## رویکردهای احزاب اسلامی کردستان عراق در قبال داعش

احزاب اسلامی کردستان با هرگونه عمل خشونت‌آمیز مخالف بوده و آن را برخلاف آموزه‌های اسلامی می‌دانند، از نظر آن‌ها اعمالی که داعش مرتکب می‌شود، غیر انسانی است و سبب خدشه‌دار شدن چهره دین اسلام می‌شود. این احزاب بر جنبه‌های اعتدالی و نرم‌افزاری دین تأکید می‌کنند و در این برهه زمانی و شرایط کنونی احتیاج به جهاد نمی‌بینند.

شدت تقبیح داعش و اعمال وحشیانه‌اش به وسیله احزاب اسلامی کردستان متفاوت است، طی مصاحبه انجام شده با دکتر هادی علی ریاست قبلی دفتر سیاسی حزب اتحادیه اسلامی وی اظهار می‌دارد که داعش گروهی تندرو است که از اسلام به طور کل غلط برداشت کرده و این طرز تلقی اشتباه موجبات انجام چنین اعمال و قیحانه‌ای را پدید آورده است. وی این گروه را تروریست می‌داند. علی باپیر رهبر حزب جماعت اسلامی در اوایل بحران داعش طی مصاحبه‌ای با تلویزیون روداو اکیداً روش داعش را نفی می‌کند؛ اما از محکوم کردن صریح داعش و تروریستی دانستن آن طفره می‌رود. به این جمله که روش مبارزه جهادی آن‌ها در راه اسلام اشتباه است، اکتفا می‌کند؛ البته بعدها علی باپیر امیر جماعت اسلامی در بیانیه‌ای اعلام کرد: دفاع از خاک اقلیم کردستان عراق جهاد است، حال دشمن هر کسی که می‌خواهد باشد (کردپرس، ۹۳/۶/۳). موضع حزب جنبش اسلامی نیز در مورد محکومیت داعش را عبدالله حسن ورته سخنگوی دفتر سیاسی حزب طی مصاحبه با نگارندگان بدین صورت بیان می‌کند: داعش تاکنون تعریف درست و مشخصی از خود ارائه نداده است، ما معتقدیم که این گروه در نتیجه ظلم مالکی به وجود آمده است. ما هر کار تروریستی و مخالف اسلام را رد می‌کنیم (ورته، ۱۳۹۳).

ضرورت مبارزه با یک گروه اسلامی مثل داعش و جهاد دانستن در این مبارزه از دیگر موارد مناقشه‌برانگیز در بین احزاب اسلامی است. همه احزاب به اتفاق دفاع از خاک و طن در مقابل تعرض خارجی را از نظر اسلام واجب دانسته و کشته شدن در این راه را شهادت می‌دانند. اتحاد اسلامی همین تلقی را در مورد داعش دارد و کشته‌شوندگان در راه مبارزه با داعش را شهید می‌داند. حزب جنبش اسلامی و همین‌طور حزب جماعت اسلامی جنگ در مقابل داعش برای دفاع را ضروری دانسته، ولی در مورد شهیدبودن یا نبودن پیش‌مرگان کرد در دفاع مقابل داعش با ابهامات بسیاری سخن می‌گویند. فشار افکار عمومی و به‌ویژه تبلیغات احزاب سکولار و کمونیستی، خواستار موضع شفاف و روشن در این باره، سبب می‌شود که این احزاب با برجسته کردن چهره قوم‌گرایی خود تا حدی از این فشارها



بکاهند و این کار را با شرکت در مراسم‌های قومی، پوشش اخبار جنگ پیش مرگ‌ها با داعش و دیگر شیوه‌ها انجام می‌دهند. هرچند که این ابهامات همچنان باقی می‌ماند.

### رویکردهای احزاب اسلامی کردستان عراق در قبال سلفی‌ها

گسترش روزافزون تفکر سلفیت و وهابی‌گری در کردستان عراق که مرزهای طولی با ایران دارد، خطری دیگر برای امنیت جمهوری اسلامی است. سلفی‌ها در کردستان به صورت سامان‌مند، گسترده و آزادانه فعالیت می‌نمایند و نفوذشان نیز روزبه‌روز بیشتر می‌شود و از جمله گروه‌هایی است که در داخل گروه‌های جهادی، به‌ویژه داعش، دارای نیرو است. رافضی‌دانستن شیعیان، به‌وسیله نحلّه دینی سلفی، خطر جدی را برای امنیت ایران مطرح می‌نماید. این گروه به‌هیچ‌وجه حاضر به قبول مذهب شیعی و همچنین حکومت اسلامی ایرانی نیست و آن را دشمن اصلی خود که حتی از کفار هم بدتر است، می‌داند.

رابطه سلفی‌ها با احزاب اسلامی کردی چندان مطلوب نیست؛ به‌خصوص با حزب اتحادیه اسلامی این تیرگی روابط برجسته‌تر می‌نماید. هرچند که این ارتباطات با دو حزب جماعت عدالت و جنبش اسلامی کمی متفاوت‌تر است. عبدالله ورته سخنگوی جنبش طی مصاحبه با نگارندگان، سلفی‌ها را برادر خود می‌داند ارتباط با آن‌ها را به دلیل سیستم کارشان که غیر حزبی است، ضعیف ارزیابی می‌نماید و بر روش آن‌ها ایراداتی وارد می‌داند. از طرفی دیگر علی‌بایر رهبر حزب جماعت اسلامی کردستان عراق در مصاحبه با کانال تلویزیونی روداو در قضیه ربه‌شدن تعداد زیادی از دختران ایزدی به‌وسیله داعش، بیان می‌کند که اگر از من خواسته می‌شد می‌توانستم با توجه به ارتباطاتی که دارم، این موضوع را حل کنم. سلفی‌ها بیان می‌دارند که احزاب اسلامی به دلیل اینکه در داخل یک نظام سکولار فعالیت می‌کنند، غیر مشروع بوده و اسلامی نیستند.

برخی گفته‌ها حاکی از آن است که این گروه‌های تندرو از این رو که می‌توانند به‌عنوان یک رقیب عمده در برابر قدرت روبه‌فزونی احزاب اسلامی قرار گیرد، عامدانه از سوی جریان‌هایی در داخل حکومت اقلیم آزاد گذاشته می‌شوند، برای این جریان‌ها با توجه به عدم تمایل سلفی‌ها به منظور دست‌یابی به قدرت سیاسی بهتر آن است که جریان دینی سلفی به‌عنوان رقیب در برابر احزاب اسلامی قرار گیرد. با توجه به اینکه زمینه‌هایی برای رادیکال‌شدن برخی افراد مذهبی در اقلیم کردستان وجود دارد، به‌نظر می‌رسد این احزاب اسلامی توانسته‌اند از رادیکال‌شدن خیلی از افراد جلوگیری نمایند و آن‌ها را متناسب با الگوی میانه‌روی خویش که پیش گرفته‌اند، در جهت سیستم فکری و مذهبی خود

کانالیزه نمایند (محمدی و خالدی، ۱۳۸۹: ۱۱۸).

باوجود اینکه فاصله‌هایی در بین احزاب اسلامی و گروه‌های جهادی و تکفیری وجود دارد، اما بازم به نظر نمی‌رسد که اسلام‌گرایان سیاسی نسبت به نظر آن‌ها بی‌تفاوت باشند. یکی از عمده دلایل برای احزاب اسلامی در احتیاط نسبت به تنظیم روابط با ایران، ترسی است که آن‌ها از بدنام شدن در بین گروه‌های اسلامی دارند (ویسی، ۱۳۸۹: ۴۹) و آن‌هم به خاطر ماهیت شیعی اسلام ایرانی است که دشمن اصلی وهابیون و سلفی‌ها فرض شده است. نزدیکی احزاب اسلامی با ایران، امکان تخریب آن‌ها به وسیله دیگر جریان‌ها با توجه به ابزارهای تبلیغاتی چه در فضای رسانه‌ای و چه در اماکن دینی و آموزشی که در اختیار دارند، وجود دارد؛ البته خود احزاب سکولار نیز از این نزدیکی احساس خطر کرده و آن‌ها هم درصدد مقابله با روش‌های تبلیغاتی برای تخریب یا ایجاد فشار روانی و سیاسی بر احزاب اسلامی برمی‌آیند.

### رویکردهای احزاب اسلامی کردستان عراق در قبال همه‌پرسی استقلال سال ۲۰۱۷

در ابتدای امر احزاب اسلامی عموماً با همه‌پرسی جدایی از عراق موافق نبودند و این امر در واکنش‌های علنی سران این احزاب به خوبی دیده می‌شود. پس از بازگشایی پارلمان محلی اقلیم کردستان عراق پیش از همه‌پرسی حزب جنبش اسلامی و اتحاد اسلامی وارد پارلمان شدند و موافقتشان را با همه‌پرسی طی بیانیه‌های رسانه‌ای اعلام کردند. در نهایت جماعت اسلامی کردستان با تأکید بر اینکه تصمیم به برگزاری همه‌پرسی باید از مسیر پارلمان اتخاذ می‌شد، آن را تصمیم حزبی دانسته و با برگزاری همه‌پرسی در مقطع برگزار شده مخالفت کرد؛ اما در آخرین ساعات پیش از آغاز فرایند رأی‌گیری اعلام کرد که در همه‌پرسی شرکت کرده و به آن رأی بله می‌دهد. به نظر می‌رسد این امر بیشتر در راستای جذب آرا و مقبولیت‌زایی اجتماعی بوده است.

### چشم‌انداز احزاب اسلامی اقلیم کردستان عراق

برخی زمینه‌هایی که سبب می‌شود به احزاب اسلامی به عنوان یک قدرت بالقوه نگریسته شود، به سبب نزدیک شدن دیدگاه‌هایشان به همدیگر است، زرمه‌هایی هر از چند گاه مبنی بر اتحاد یا یکی شدن این احزاب شنیده می‌شود. هر چند که یک شورای همکاری مشترک بین سه حزب وجود دارد، ولی تاکنون این وحدت شکل نگرفته است. موانع عمده‌ای که سد راه این اتحاد شده است، به زمینه‌های شکل‌گیری و قبول یا ردّ مثنی نبرد مسلحانه هریک از احزاب بازمی‌گردد که در نوع خوانش متفاوتی که از اسلام داشتند، عمل می‌کردند. امروزه این احزاب نسبت به عمده مسائل روز دیدگاه کمابیش

مشابهی دارند و با توجه به مطالبات قومی مردم کردستان آن‌ها می‌کوشند خود را با آن هماهنگ نمایند. این امر زمینه‌های مشترک فعالیت را بیشتر کرده است. از طرف دیگر این تشکلات احزاب اسلامی باعث دل‌سردی مردم شده که اسلام‌گراهای سیاسی متوجه این قضیه شده و در صدد راه چاره که شاید اتحاد باشد، برمی‌آیند. عمر اسماعیل بیان می‌دارد که مشکلاتی که اکنون برای ائتلاف وجود دارد شامل سیستم سنتی و پیچیدی حزب جماعت، قضی‌ی زنان و متفاوت بودن ایدئولوژی و سیستم جنبش با اتحادیه است؛ اما وی د مورد سایر قضایا تفاوتی در نظر و عمل احزاب اسلامی نمی‌بیند و می‌گوید که فراکسیون خدمت ما مشترک و در پارلمان بغداد نیز همکاری بین ما بیشتر است.

ایجاد یک حزب جدید اسلامی که هر سه حزب اسلامی؛ جنبش، اتحادیه و جماعت را شامل شود، شاید بتواند در بهبود وضع سیاسی احزاب اسلامی دگرگونی ایجاد کند. در انتخابات سال ۲۰۰۹ یک لیست مشترک ارائه شد که حزب اتحادیه اسلامی، حزب جماعت، حزب سوسیال دموکراتیک کردستان و حزب آینده در آن ائتلاف داشتند، ولی فقط توانست ۱۳ کرسی به دست آورد. عده‌ای این را یک اشتباه استراتژیک برای احزاب اسلامی می‌دانند که ناموفق بود. هر چند که احزاب اسلامی اتحادیه و جماعت با اینکه در انتخابات بعدی به تنهایی شرکت کردند، ولی نتیجه بهتری گرفتند.

در انتخابات پارلمانی اقلیم کردستان عراق در سال ۲۰۱۸ نیز این سه حزب اسلامی تنها موفق شدند ۱۲ کرسی از مجموع ۱۱۱ کرسی پارلمان اقلیم را کسب کنند و در انتخابات پارلمانی عراق نیز احزاب اتحاد اسلامی و جماعت اسلامی کردستان عراق هر کدام موفق به کسب تنها دو کرسی پارلمانی شدند، این در حالی است که در دوره قبل پارلمان عراق دارای ۷ کرسی بودند. شرایط حاضر نشان می‌دهد این احزاب به لحاظ اقبال عمومی در جایگاه مناسبی نیستند و شاید یک اتحاد مابین اسلام‌گرایان بتواند سبب پوشش نقاط ضعف شده و نیروهای احزاب اسلامی را دور هم جمع نماید که مؤثرتر واقع شوند؛ گرچه شکل‌گیری این ائتلاف بعید می‌نماید؛ همچنین براساس نتایج انتخابات پارلمان عراق در سال ۲۰۲۱ حزب اتحاد اسلامی کردستان عراق به رهبری صلاح‌الدین محمد بهاء‌الدین چهار کرسی و جماعت عدالت کردستان عراق به رهبری علی باپیر یک کرسی به دست آوردند.

تحلیل آرا نشان می‌دهد در کل کاهش آرای احزاب اسلامی در استان‌های اربیل و دهوک که منطقه نفوذ حزب دموکرات کردستان عراق به رهبری مسعود بارزانی بوده، بر سرنوشت این احزاب اثر گذاشته است. در این میان جنبش اسلامی به رهبری عرفان عبدالعزیز بیش از سایر احزاب اسلامی در اقلیم کردستان عراق تضعیف شده است. با این حال تحلیل آرا نشان می‌دهد، حزب اتحاد اسلامی به رهبری صلاح‌الدین بهاء‌الدین تا حد قابل توجهی توانسته پایگاه اجتماعی خود را در استان دهوک

حفظ کند و احتمال رشد آرا آن در استان دهوک جدی است.

## نتیجه‌گیری

روابط تاریخی ایران با کردهای عراق و همچنین ماهیت نظام جمهوری اسلامی و ضرورت هماهنگی و ارتباط آن با گروه‌ها و احزاب اسلامی در سراسر جهان و به‌ویژه منطقه غرب آسیا، باعث برجسته‌شدن و اهمیت یافتن روابط گروه‌های اسلامی اقلیم کردستان و جمهوری اسلامی ایران می‌شود. براساس مفاهیم اساسی چارچوب نظری واقع‌گرایی تدافعی در روابط بین‌الملل و مکتب کینهاگ در مطالعات امنیت به‌منظور ارزیابی وضعیت امنیتی ایران در سطح منطقه‌ای و متأثر از رویکردهای احزاب اسلامی اقلیم کردستان عراق آنچه از پژوهش انجام‌شده برمی‌آید این است که ارتباط با احزاب اسلامی کردستان عراق از چندین جنبه قابل بررسی و تبیین است و کلیت آن را می‌توان ذیل مفهوم تنگنا یا معمابودگی امنیت صورت‌بندی کرد. باری این ارتباط می‌تواند توأم با فرصت‌ها و تهدیدهای هم‌زمان باشد. طبق آنچه در متن پژوهش به‌روشنی بیان شد، از نظر گاه فرصت محور در خصوص روابط جمهوری اسلامی ایران با احزاب اسلامی کردستان می‌توان چندین فرصت را برای ایران نام برد که اجمالاً بدان پرداخته می‌شود:

الف: با توجه به ماهیت نظام حاکم بر ایران و انگاره صدور انقلاب، به طبع تقویت جریان‌های هم‌سو با گفتمان انقلاب اسلامی فی‌نفسه می‌تواند برای ایران مطلوب ارزیابی گردد و در راستای بیداری اسلامی مد نظر حکومت جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد؛ البته نباید ماهیت مذهبی (سنی) احزاب مورد مطالعه را از نظر دور داشت؛ زیرا این گروه‌ها به سبب داشتن مبانی فقهی متفاوت، با تر ولایت فقیه سازگاری لازم را ندارند.

ب: کردستان عراق همچنان که پیش‌تر ذکر شد، به حیاط خلوتی برای مخالفین و معاندین جمهوری اسلامی (آمریکا و اسرائیل) تبدیل شده است. قدرت گرفتن یک گروه اسلامی در همسایگی ایران می‌تواند موجب کاهش نفوذ اینان بر منطقه شود. به گونه‌ای که فضای کنش‌گری برای ایران مهیاتر و فراخ‌تر می‌گردد.

ج: قدرت‌گیری احزاب اسلامی در کردستان موجب تقسیم قدرت میان گروه‌های کرد و هیئت حاکمه کردستان می‌شود که این به خودی خود مانع تمرکز قدرت و منجر به تشنج در میان کردهای عراق می‌شود که در نهایت به نفع ایران خواهد بود؛ زیرا از یک سو به سبب اختلافات و رقابت داخلی، حکومت کردستان فرصت طرح مباحثی همچون استقلال کردستان که موجب از دست رفتن یکپارچگی

عراق و کاهش قدرت شیعیان عراق (متحدین اصلی ایران) و ازسوی دیگر در درازمدت مجال و قدرت لازم برای تبلیغات هویتی کردی در مناطق کردنشین ایران را نخواهد داشت. از منظر تهدیدی آن‌چنان‌که شرحش پیش‌تر رفت:

الف: از یک‌سو مسئله رشد تفکرات سنی‌گری افراطی در مناطق کردستان ایران به‌سبب پیوستگی فرهنگی، قومی، مذهبی و مناسبات خانوادگی و ایلی جامعه کردهای ایران و عراق به‌عنوان تهدیدی بر امنیت ملی ایران به‌شمار می‌رود.

ب: از دیگر سو با تقویت گروه‌های اسلامی در کردستان عراق این احتمال قوت بیشتری می‌یابد که این گروه‌ها با سلفی‌های مخالف و معاند جمهوری اسلامی ایران نزدیکی بیشتری یابند و در نهایت به‌نفع هم‌مسلمانان خود (سنی‌های سلفی) عمل نمایند که تا به حال روابطشان همچنان که در نوشتار بررسی شد گنگ و نامعلوم می‌نماید. از آنجا که سابقه همکاری ایران با رقبای احزاب اسلامی شامل دو حزب دموکرات و اتحادیه میهنی دارای پیشینه طولانی‌تری است و نسبت به آنان شناخت کافی را دارد، بهتر می‌تواند با این دو بازیگر سنتی همکاری و رابطه برقرار نماید. از دیگر تهدیدهای مترتب بر ایران در مقوله روابط جمهوری اسلامی ایران با احزاب اسلامی کردستان.

ج: قوت گرفتن کنش‌گری غیر شیعه، به‌طور اعم در منطقه غرب آسیا و به‌طور اخص در همسایگی جمهوری اسلامی ایران است که منجر به همکاری با قدرت‌های منطقه‌ای رقیب همچون ترکیه و عربستان سعودی می‌شود.

## منابع

- احمدی، حمید (۱۳۹۰)، *سیر تحول جنبش‌های اسلامی*، تهران: دانشگاه امام صادق.
- احمدی، کوروش (۱۳۸۴)، *ضعف انسجام اجتماعی سیاسی و مشکلات ژئوپلیتیک در عراق؛ عراق پس از سقوط بغداد*، تهران: وزارت امور خارجه.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۹)، *چارچوب‌ها و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: قومس.
- اسپوزیتو، جان، ال (۱۳۸۶)، *انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن*، ترجمه: مدیرشانه‌چی، محسن، چاپ اول، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- اسماعیل، عمر، دفتر سیاسی حزب اتحاد اسلامی کردستان، اربیل، مصاحبه ۲۰ مهرماه ۱۳۹۳.
- بوزان، باری (۱۳۷۹)، *آشنایی با مکتب کپنهاک در حوزه مطالعات امنیتی*، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال سوم، شماره سوم، پاییز.
- پروگرام و پیره‌وی ناو‌خو بزووتنه‌وی ئیسلامی له کوردستان/عراق، کونگه ره ۲.
- پروگرام و پیره‌وی ناو‌خو کومه‌لی ئیسلامی کوردستان/عراق، کونگه ره ۷.

- پروگرام و پیره‌وی ناو‌خو‌یه‌ک‌گرتووی نیسلا‌می کوردستان، کون‌گه ره ۳.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵) «تأثیر خودگردانی کردهای شمال عراق بر کشورهای همسایه»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۱، شماره ۴.
- حق‌پناه، جعفر (۱۳۸۷)، کردها و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- خبرگزاری کرد پرس، کدمطلب: ۶۰۸۷۰۴، ۱۳۹۳/۶/۳. قابل دسترسی در: <http://kurdpress.ir/Fa/NSite/FullStory/News/?Id=68704#Title>
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۴)، نظریه‌ها و فرایندها در روابط بین‌الملل، تهران: نشر مخاطب.
- عبدالخالق، مسعود (۲۰۱۴)، ناسنامه‌ی حزبه کوردستانیه‌کان، هولیر: کیتابخانه حاجی قادری کویی.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۳)، نظریه‌های امنیت، تهران: مؤسسه ابرار معاصر.
- علی، هادی (۲۰۰۴)، یه‌ک‌گرتووی نیسلا‌می کوردستان له ده‌یه‌مین سالیادی راگه یانانیدا، هولیر: یه‌ک‌گرتووی نیسلا‌می کوردستان.
- علی، هادی، منزل شخصی وی در اربیل، مصاحبه ۲۱ مهرماه ۱۳۹۳.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۹۳)، کاربرد نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: دنیای اقتصاد.
- کانال تلویزیونی روداوو، مصاحبه با علی باپیر، ۷/۸/۲۰۱۴.
- محمدی، حمیدرضا؛ خالدی، حسین؛ سلیم‌نژاد ندیمه، (۱۳۸۹) «خودگردانی شمال عراق و تأثیرات قوم‌گرایانه پیرامونی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۶، شماره ۱.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۹)، تحوّل در نظریه‌های روابط بین‌الملل، چاپ پنجم، تهران: سمت.
- ورته، عبدالله، دفتر سیاسی حزب جنبش اسلامی در کردستان عراق، مصاحبه، ۲۲ مهرماه ۱۳۹۳.
- ویسی، دلاور (۱۳۸۹)، تأثیر انقلاب اسلامی بر ظهور جنبش‌های اسلام‌گرا در کردستان عراق، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- هوشیاری هلبژاردن، بلاو‌کراوه‌یه‌کی کومه‌لی نیسلا‌می کوردستانی عیراق، ص ۱۲.

## References

- Kelly, R. E (2007), Security Theory in the "New Regionalism", International Studies Review, Published by Blackwell Publishing.
- Miller, B. (2005), When and How Regions Become Peaceful: Potential Theoretical Pathways to Peace, Published by Blackwell Publishing.